

بسم الله الرحمن الرحيم

اقتباسات از خطبه جمعه ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸م

معرفی جناب مرزا انس احمد

حضور انور فرمودند جناب مرزا انس احمد پسر بزرگ حضرت خلیفه المسیح سوم بود. در روزهای گذشته ایشان در ربوه ۸۱ سالگی در گذشت انا لله و انا الیه راجعون ایشان بزرگترین نوه حضرت مصلح موعود بود و دختر زاده حضرت نواب مبارکه بیگم و نواب محمد علی خان بود و به این لحاظ پسر دای من هم بود. وی تحصیلات ابتدای را از قادیان فرا گرفت سپس در ربواه ادامه داد مدرک کارشناسی ارشد از دانشگاه پنجاب فرا گرفت. به فضل خدا وی در سال ۱۹۵۵ میلادی زندگی خود را وقف نمود و در سال ۱۹۶۲ در میدان عمل وارد شد و در بخش های مختلف با رنج و زحمت فراوان کار کرد. وی عادت داشت که کارها را با عشق و علاقه و زحمت انجام دهد. در علم حدیث و فلسفه و ادب زبان انگلیسی مطالعه عمیقی داشت. علی الخصوص به حدیث بسیار علاقه مند بود و به سبب این علاقه مندی تحصیلات ابتدای حدیث را نزد مولوی خورشید آموخت.

وقف نمودن زندگی

در سال ۱۹۵۵ میلادی وقتی ایشان زندگی خود را ووقف نمود حضرت مصلح موعود تذکره وی کردند و فرمودند: بعد از فراخوند وقف زندگی که در جماعت کرده بودم نزد من ۳ تا درخواست آمدند. یکی از طرف نوی من مرزا انس احمد است که پسر جناب مرزا ناصر احمد است. خدا کند که وی عهد خود را ایفا بکند. انس احمد نوشت قصد من این بود که بعد از فرا گرفتن تحصیلات حقوق زندگی خود را وقف بکنم ولی اکنون هر مسئولیتی می خواهید که به من بسپارید کاملاً آماده ام. به فضل خداوند متعال حدود ۵۶ سال اداره های گوناگون جماعت توفیق خدمت یافت.

رویداد تاریخی بعد از مهاجرت از قادیان

زمانی که مهاجرت به عمل آمد، حضرت مصلح موعود رویدادی را نقل کرده اند که تاریخی است و مربوط به فداکاریشان است اما چون ذکرش نیز در آن است لذا آن را تعریف می کنم. حضرت مصلح موعود رضی الله فرمودند وقتی ما از قادیان آمدیم من به اعضای خانواده خود گفته بودم که از مهمان خانه شما را همان قدر غذا داده شد که دیگران را داده می شد.... آن حضرت می فرمایند که در آن ایام

من این دستور را داده بودم که بعلت ضیق مالی همه مهمانان را یک نان داده خواهد شد و به اعضایی خانواده نیز همین گفتم که شما نیز فقط یک نان داده خواهد شد. آن حضرت فرمودند یک روز نوه من انس احمد در حال گریه نزد من آمد و مرا گفته شد که این می گوید که با یک نان شکم سیر نمی شود من در پاسخ به وی گفتم من فقط یک نان به شما می دهم اگر شکمش از یک نان سیر نمی شود پس شما به من نصف نان بدهید آن حضرت فرمودند از این طور من با نصف نان سپری کنم و او یک و نیم نان خواهد خورد. ایشان فرمودند وقتی برای مهمانان شرط یک نان را لغو می کنم برای اعضای خانواده نیز تعداد نان ها را بیشتر می کنم. ولی مادامی که برای مهمانان شرط یک نان لغو نمی شود وی را نصف نانم بدهید.

بیان جناب آقای دکتر نوری

جناب آقای دکتر نوری می نویسد که حافظه اش بسیار ستودنی بود. وی عاشق صادق پیامبر اکرم و احادیث شان بود. وی رویدادها حضرت مسیح موعود و خلفاء به قدری شور و ولع و به لحن زیبا تعریف می کرد که دل شنونده را به خود جلب می کند در اثنای تعریف وقایع چشمانش اشکبار می شد... بسیار شکیبیا بود. جناب دکتر نوری می نویسد در تمام شرایط سخت و دشوار همیشه صبر و شکیبیای را از خود نشان می داد. با تمام حوصله هر مشکل را تحمل نمود.

محبت با خلافت

جناب آقای شمیم پرویز معاون وکیل وقف نو می نویسد رویداد مربوط به عشقش به خلافت در ذهنم نقش شده است هنگام انتخاب خلیفه چهارم اینجناب قائد بخش جهنگ بودم و محل وظیفه ام خارج از مسجد مبارک نزدیک محراب بود. به محض این که از درون مسجد خبر منتخب شدن حضرت مرزا طاهر احمد بعنوان خلیفه چهارم رسید. جناب آقای شمیم می گفت جناب مرزا انس احمد را دیدم باوجود گرمای شدید ماه ژوئن برای ادای سجده شکر روی زمین گرم افتاد.

ولع خدمت دین

جناب آقای دکتر افتخار از لندن می نویسد که به معنای واقعی وقف زندگی بود. تا دم آخرش مشغول کارهای سلسله بود و به دفتر حاضر می شد در ادامه می نویسد با دقت بالای ترجمه می کرد و گاهی برای پیدا کردن اصطلاح مناسب چندین روز تلاش می کرد و معیار اطاعتش نیز بسیار بلند بود.

ولع تحصیل علم

جناب آقای خالد از مکتب زبان روسی در لندن می نویسند که هر گاه به فکر جناب میان می افتم شخصیتش تصویر عملی این حدیث حضرت پیامبر اکرم ﷺ **اطلبو العلم من المهد الی اللحد** به ذهنم رسید.

ترجمه کتب حضرت مسیح موعود علیه السلام

ایاز محمود خان مربی وکالت تصنیف یو.کی می گوید کهدر حوزه کارم امور زیادی را از وی یاد گرفتم. وی چون ترجمه کتب حضرت مسیح موعود علیه السلام را با عشق و علاقه می کرد لذا در اثنای ترجمه مشکلات و رفع آنها را با من درمیان می گذاشت و تجربه خود را تعریف می کرد نکته ای که علی الخصوص می گفت این بود که در اثنای ترجمه ترجمه لفظی به کمک لغتنامه کافی نیست. رعایت این امر نیز ضروری است که آن کلمه از هیچ لحاظی موجب کاهش شان حضرت مسیح موعود علیه السلام نباشد و اگر کلمه درست برای ترجمه پیدا نشود در این صورت واژه ای را به کار برد که مضمون اصلی را منتقل کند.

ارادتش به خلافت

آنچه مردم راجع به ارادتش به خلافت نوشته اند در آن هیچ اغراقی نشده است بلکه وی بیشتر از این به خلافت ارادت داشت و وی از هر عمل و نمونه خود ابراز این ارادت کرد. زمانی که حضرت خلیفه مسیح چهارم مرا امیر مقامی و ناظر اعلی منصوب نمودند آنگاه نیز وی از خلافت اطاعت کرد و به طور کامل از امیر اطاعت کرد و بسیار ملاحظه نمود در حالی که من به لحاظ سنی از وی سیزده چهار ده سال کوچکتر بودم اما وی در آن زمان هم به طور کامل از من اطاعت کرد و پس از خلافت هم همیشه نمونه کامل وفاداری و اطاعت را نشان داد. خداوند متعال با او به رحم و مغفرت برخورد نماید و آن آرزویش مربوط به فضل و خداوند متعال را که ابراز نموده بود برآورده کند. بین عزیزان خود جای دهد و اولادش را نیز به خلافت وفادار نگهدارد. زمانی که مرزا غلام احمد در گذشت وی خوابی دیده بود که در خطبه ذکر هم کرده بودم. وه نوشت: در شب پیش وقتی جناب مرزا غلام احمد در گذشت، همان شب من خواب دیدم که برادرم خورشید و جناب احمد نزد خدا رفته اند و ملاقاتشان با حجت پیامبر اکرم صل الله علیه وسلم و حضرت مسیح موعود علیه السلام به عمل می آید، آنگاه در دل من هم این آرزو ایجاد می شد که خدا کند من نیز همین طور ملاقات کنم لذا در بارگاه الهی عرض کردم: ای خدا مرا نیز نزد

خود فرا بخوان آن وقت خداوند متعال گفت: تو جلو بیا و نزد خود جای داد. پس خداوند متعال وی را خبر مغفرت و رحم خود را داده بود. خداوند درجاتش را همیشه رفیع تر بگرداند و اولادش نیز نیک و صالح باشد